

امضای قرارداد سوآپ گاز با ترکمنستان؛

حرکت در مسیر تقویت نقش منطقه‌ای و جهانی ایران در عرصه انرژی



ایران در مرکز منطقه‌ای موسوم به بیضی انرژی قرار دارد که در شمال آن کشورهای حاشیه خزر و روسیه و در جنوب و غرب آن کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج‌فارس قرار دارند. این منطقه براساس آخرین برآورها، دربردارنده ۷۱ درصد از ذخایر گاز طبیعی و ۵۶ درصد ذخایر نفت خام جهان است. ازاین‌رو جایگاه جغرافیایی ایران در قلب منطقه مزبور که از اهمیت استراتژیکی برخوردار است، می‌تواند به‌عنوان اهرمی در راستای تقویت امنیت ملی و افزایش منافع اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد؛ محثی که با عنوان دیپلماسی انرژی از آن نام برده می‌شود و انتظار می‌رود با افزایش تعاملات انرژی‌محور با همسایگان شمال و جنوب به نحو مناسبی در مناسبات سیاسی و بین‌المللی ما مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

یکی از حوزه‌های قابل بهره‌برداری از موقعیت ایران در بیضی انرژی، امکان ایفای نقش هاب و محور تبادل انرژی در منطقه است. کشورهای آسیای‌میانه از نظر جغرافیایی سرزمین‌های بسته به‌شمار می‌روند و دسترسی مستقیمی به آب‌های آزاد ندارند. این شرایط، تجارت و حضور مؤثر در بازارهای نفت و گاز را برای این کشورها که عمدتاً وابسته به درآمدهای صادرات نفت و گاز هستند با دشواری مواجه کرده است.

کشورهای آسیای‌میانه شامل قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان از جمله مناطق دارای ذخایر چشمگیر گاز طبیعی به‌شمار می‌روند که در دهه‌های اخیر بر اهمیت آنها در تامین انرژی اروپا و آسیا افزوده شده است.

این کشورها درمجموع بیش از ۱۱ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان را در خود جای داده‌اند. از نظر ذخایر و تولید نفت خام نیز هرچند ذخایر آنها درخور توجه نیست، اما روزانه بالغ بر دو میلیون بشکه تولید نفت در این منطقه صورت می‌گیرد. کشور قزاقستان روزانه ۱۰٫۷ میلیون بشکه نفت خام و ترکمنستان سالانه ۷۰ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی تولید می‌کنند. این در حالی است که با توجه به جمعیت نسبتاً اندک آنها، سهم عمده‌ای از تولید نفت خام و گاز طبیعی به صادرات اختصاص می‌یابد. با وجود این، این کشورها در زمینه صادرات گاز طبیعی و همچنین نفت خام با محدودیت‌هایی مواجه هستند و سیاست‌هایی را در این زمینه دنبال می‌کنند.

نخست آنکه شبکه اولیه انتقال نفت و گاز طبیعی منطقه آسیای‌میانه ازسوی شوروی سابق احداث شده است و این خطوط همگی از پهنه

سرزمینی روسیه عبور می‌کند و تحت کنترل آن قرار دارند؛ شرایطی که چندان به مذاق کشورهای آسیای‌میانه خوش نیامد و در دهه‌های گذشته به‌دنبال کاهش سلطه روسیه بر این خطوط، روابط خود را با اروپا و آسیا گسترش داده‌اند. در سال‌های گذشته، خطوط لوله متنوعی برای انتقال نفت و گاز این منطقه از جهان با مشارکت شرکت‌های بین‌المللی احداث شده است که از جمله می‌توان به خط لوله گاز طبیعی ترکمنستان به چین و خط لوله نفت قزاقستان به سواحل دریای سیاه اشاره کرد.دومین سیاستی که در این کشورها در عرصه نفت و گاز دنبال می‌شود، تشویق شرکت‌های

بین‌المللی به حضور در بخش انرژی خود و متنوع‌کردن مسیرها و شیوه‌های صادرات است که به‌نوعی در راستای سیاست نخست هم قرار دارد. امروزه جمهوری‌های آسیای‌میانه که تا زمانی نه‌چندان دور به دارابودن محیط‌های بسته اقتصادی شهره بودند، درها را روی شرکت‌های بین‌المللی در عرصه نفت و گاز باز می‌کنند، به‌طوری‌که کشوری مانند قزاقستان میهمان بزرگ‌ترین شرکت‌های بین‌المللی عرصه نفت و گاز شده است و ترکمنستان نیز به‌آرامی محدودیت‌های ساختاری و قانونی برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم و تسهیل می‌کند.

دراین‌بین، ایران به‌عنوان همسایه‌ای امن و با توانمندی‌های زیرساختی و فنی می‌تواند برای کشورهای آسیای‌میانه به‌مثابه دروازه ورود به بازارهای جهانی ایفای نقش کند؛ فعالیتی که علاوه بر کسب منافع اقتصادی، به دلیل دی‌نفع‌بودن شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در تولید نفت و گاز کشورهای مزبور، بر اهمیت و ارتقای نقش بین‌المللی کشور ایران خواهد افزود.

در این خصوص هرچند اقدامات انجام‌شده از سوی ایران برای توسعه روابط انرژی‌محور با همسایگان شمال‌شرق نسبت به سایر کشورها کم‌اهمیت‌تر ارزیابی می‌شود، باوجوداین اقداماتی

که در سال‌های اخیر انجام شده است، می‌تواند نویدبخش توسعه این نوع تعاملات در آینده نزدیک باشد.

هرچند در سال‌های گذشته روند واردات و سوآپ گاز طبیعی و نفت از کشورهای آسیای‌میانه که از سابقه‌ای بیش از یک دهه برخوردار بوده است، با بهانه‌های غیرکارشناسی و بدون درنظرگرفتن منافع بلندمدت کشور از سوی مسئولان دولت وقت با وقفه جدی و در نهایت تحمیل هزینه‌های گزاف بر کشور منجر شد، اما امروزه با حاکمیت اعتدال و عقلانیت و با اتکا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغی مقام معظم رهبری، در راستای تقویت روابط

صنعت نفت، پیشرو در اقتصاد مقاومتی



اواخر سال ۱۳۹۲ بود که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ شد. سیاست‌هایی که بنابر تفسیر ایشان درون‌زا، اما برون‌گراست؛ به این معنی که با تکیه بر توانمندی‌ها و ظرفیت‌های داخلی و تقویت آنها در تعامل با دیگر کشورها با قدرت وارد عمل می‌شود. به عبارتی دیگر اقتصاد مقاومتی آن نیست که درهای اقتصاد را روی جهانیان ببندیم و برای هر چیزی به خودمان اتکا کنیم بلکه باید با تقویت و بهره‌گیری از نقاط قوت به‌دنبال تقویت جایگاه بین‌المللی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از بدخواهی‌های دشمنان و تحولات جهانی باشیم.

پس از ابلاغ این سیاست‌ها که بعد از تشدید تحریم‌های ناعادلانه غرب علیه کشور و به‌منظور ارائه راهکارهای کاهش تأثیرپذیری اقتصاد از این نوع رفتارها مطرح شده بود، اصلی‌ترین نکته که مورد توجه قرار گرفت، پرهیز از برخورد شعارگونه دستگاه‌ها با این موضوع بود. در همین راستا سال ۱۳۹۵ سال اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل نام گرفت تا این سیاست‌ها در واقع در سیاست‌های داخلی، خارجی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و... اعمال شده و مورد پیگیری جدی تا حصول به نتیجه قرار گیرد.

صنعت نفت به‌عنوان موتور محرک اقتصاد ایران و حتی جهان ازجمله مهم‌ترین بخش‌هایی است که مخاطب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی قرار می‌گیرد؛ صنعتی که علاوه بر تقویت نقش بین‌المللی کشور در حلقه تأمین انرژی جهان، منبع اصلی تامین درآمدهای ارزی کشور نیز به‌شمار می‌رود. به عبارتی دیگر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برخلاف نگاه معمول که خواستار کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت بوده و همه بدبختی‌های اقتصاد کشور را از وجود نفت می‌بیند، بر جنبه‌های مختلفی که این صنعت می‌تواند در تقویت اقتصاد داخلی، کاهش آسیب‌پذیری و همچنین تعمیق روابط بین‌المللی ایفای نقش مؤثر کند، تأکید دارد. به‌طورکلی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بخش‌های مختلف اقتصاد

کاهش وابستگی به کشورهای مزبور است. بخشی از اقتصاد کشور که زمانی به‌دلیل اعمال محدودیت‌های بین‌المللی با محدودیت‌های شدیدی در تامین تجهیزات، سرمایه‌گذاری و حتی فروش نفت مواجه شده بود، با درپیش‌گرفتن سیاست‌های همسو با اقتصاد مقاومتی و دیگر بخش‌های پیشرو کشور در مبارزه با تحریم‌ها، امروز جایگاه واقعی خود را بازیافته و با قدرت به پیش می‌رود. برخی از اقدامات و دستاوردهای بخش نفت و گاز کشور در راستای جامه‌عمل پوشانیدن به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به شرح زیر است:

– به‌منظور ارتقای ظرفیت ذخایر راهبردی نفت خام کشور، نوسازی ظرفیت‌های پایانه‌های موجود به میزان

تحقق سیاست‌های مزبور است. بخشی از اقتصاد کشور که زمانی به‌دلیل اعمال محدودیت‌های بین‌المللی با محدودیت‌های شدیدی در تامین تجهیزات، سرمایه‌گذاری و حتی فروش نفت مواجه شده بود، با درپیش‌گرفتن سیاست‌های همسو با اقتصاد مقاومتی و دیگر بخش‌های پیشرو کشور در مبارزه با تحریم‌ها، امروز جایگاه واقعی خود را بازیافته و با قدرت به پیش می‌رود. برخی از اقدامات و دستاوردهای بخش نفت و گاز کشور در راستای جامه‌عمل پوشانیدن به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به شرح زیر است:

– به‌منظور ارتقای ظرفیت ذخایر راهبردی نفت خام کشور، نوسازی ظرفیت‌های پایانه‌های موجود به میزان

زیادی انجام پذیرفته و همچنین پروژه‌های احداث ظرفیت ذخیره‌سازی نفت خام در شمال و جنوب کشور (نکا و جاسک) با جدیت از سوی شرکت‌های تابعه وزارت نفت و با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دنبال می‌شود. این طرح‌ها در فاز نخست ظرفیت ذخیره‌سازی را بیش از ۱۰میلیون بشکه افزایش خواهد داد.

– وزارت نفت در دولت یازدهم، پیش از اجرائی شدن برجام، اقدامات خود را برای افزایش تولید نفت و گاز و بازستانی سهم ازدست‌رفته خود با تأکید بر توسعه میادین مشترک را در دستور کار قرار داد. در این راستا از یک‌سو تمرکز بر توسعه میدان مشترک پارس جنوبی به‌ویژه فازهای واقع در مرز مشترک ایران و قطر قرار گرفت و

است. این در حالی است که با تکمیل میادین غرب کارون و پارس جنوبی، دستیابی به ظرفیت تولید ۵٫۷میلیون بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی قابل دستیابی خواهد بود.

– پیش از رفع موانع صادرات نفت خام، بازپس‌گیری بازارهای صادرات نفت خام کشور که اغلب از سوی کشورهای همسایه تصاحب شده بود، در دستور کار قرار گرفت و اقدامات انجام‌شده در این راستا با اجرای برجام توفیقاتی را به‌همراه داشت و ایران توانست مشتریان نفت خود را که در دوران تحریم به پنج کشور محدود شده بودند متنوع و چندبرابر کند، به‌طوری‌که امروزه نفت ایران به بازارهای اروپا، آسیا و آفریقا صادر می‌شود.

– در زمینه تأمین کالاهای مورد نیاز از داخل و ایجاد تنوع میادین مشترک غرب کارون در دستور

امروز شاهد افزوده‌شدن بیش از ۱۲۵میلیون مترمکعب در روز به ظرفیت برداشت کشور از این میدان هستیم و امید می‌رود با تکمیل فازهای باقی‌مانده، ایران از کشور قطر از نظر برداشت از میدان پیشی بگیرد.

– از سویی دیگر ضمن بازایی ظرفیت برداشت نفت از میادین موجود، توسعه میادین مشترک غرب کارون در دستور کار قرار گرفت، به‌طوری‌که با تحقق برنامه‌های موردنظر، تولید نفت خام از این میادین نفتی بیش از ۲۵۰هزار بشکه در روز در دولت یازدهم افزایش یافت. به‌طورکل درحال‌حاضر تولید نفت خام و میعانات گازی ایران با بیش از ۱۰٫۵میلیون بشکه افزایش نسبت به دوره تحریم به ۴٫۵میلیون بشکه در روز افزایش یافته

استراتژیک با کشورهای مختلف به‌ویژه همسایگان، دیپلماسی انرژی در خدمت تأمین منافع بلندمدت کشور قرار گرفته است.

در همین راستا در روزهای گذشته، قرارداد سوآپ گاز طبیعی بین ترکمنستان و آذربایجان از طریق خطوط لوله و زیرساخت‌های موجود ایران و البته با ایفای نقش بخش خصوصی که به‌نوبه خود اولین حضور بخش غیردولتی در بازاریابی نفت و گاز به‌شمار می‌رود، منعقد شد. با امکان سوآپ گاز طبیعی از ترکمنستان و تحویل آن در مرزهای شمال‌غربی به کشور آذربایجان، ایران به‌عنوان مسیر جدید صادرات گاز ترکمنستان مورد ارزیابی قرار گرفته است. بنابراین درحالی‌که کشورهایی مانند چین با سرمایه‌گذاری هنگفت در بخش گاز طبیعی آسیای‌میانه امکان انتقال گاز این منطقه را به‌سوی کشور خود فراهم کرده‌اند، اما در راستای سیاست تنوع‌بخشی به مسیرهای صادرات گاز که از سوی دولت ترکمنستان دنبال می‌شود، ایران نیز به جمع مسیرهای انتقال گاز طبیعی این کشور افزوده شده است.

به عبارتی دیگر تعامل انرژی‌محور ایران با کشور ترکمنستان که تا پیش از این به قرارداد واردات گاز طبیعی محدود شده بود، با قرارداد سوآپ وارد فاز جدیدی شده است و این کشور می‌تواند از طریق توانمندی‌های فنی ایران به بازاریابی گاز خود در کشورهای هدف بپردازد؛ شرایطی که به‌طور حتم به افزایش اعتماد متقابل و تحکیم قراردادهای پیشین نیز منجر خواهد شد. این در حالی است که اهمال در این کار؛ یعنی توسعه روابط گازی با ترکمنستان، با تهدید مسیرهای جایگزین از جمله خط لوله پیشنهادی گاز طبیعی بستر دریای خزر یا ترانس کاسپین مواجه است که به‌شدت از جانب شرکت‌های اروپایی حمایت می‌شود و گاز ترکمنستان را از طریق بستر دریای خزر به آذربایجان و از آنجا به اروپا منتقل خواهد کرد؛ خط لوله‌ای که تنها دلیل اجرائی نشدن آن را علاوه بر مخالفت ایران و روسیه، می‌توان مناقشه قدیمی دو کشور ترکمنستان و آذربایجان بر سر میدان دریایی سردار در مرز دریای دو کشور قلمداد کرد.

آنچه مسلم است، امضای قرارداد سوآپ گاز طبیعی در مسیر یادشده و تلاش در راستای توسعه و تداوم آن پیام روشنی به بدخواهان ملت ایران است که ایران در کمال امنیت و آرامش در حلقه تأمین انرژی منطقه و جهان ایفای نقش می‌کند و حذف ایران از روابط بین‌المللی و منطقه‌ای انرژی محال است.

و اصلاح قرار گرفت. در ماه‌های گذشته شاهد حضور شرکت‌های معتبر بین‌المللی به‌منظور سرمایه‌گذاری در بخش پتروشیمی و پایین‌دستی نفت و گاز بوده‌ایم و در برخی حوزه‌ها این اقدامات به امضای قرارداد و تفاهم‌نامه همکاری منجر شده است.

– نفت و گاز علاوه بر وجه درآمدزایی آنها، می‌توانند در ایجاد هم‌بمانان راهبردی در منطقه و جهان و به عبارتی ارتقای امنیت ملی نیز نقش مؤثری ایفا کنند. امروزه دیپلماسی انرژی می‌جنتی بسیار جدی در عرصه تعاملات بین‌المللی است. در دوره پس از برجام، وزارت نفت در این راستا گام‌های مثبت و امیدوارکننده‌ای برداشته است. از یک سو موانع ترانزیت و انتقال نفت خام از کشورهای محصور در خشکی آسیای‌میانه که در دولت پیشین قطع شده بود، برطرف شده و طرفین آماده گسترش روابط تجاری خود هستند. از سویی دیگر با افزایش تولید گاز کشور و کارزسانی به شهرها و روستا و همچنین نیروگاه‌ها، مصرف فراورده‌های نفتی در داخل کاهش یافته و امکان صادرات محصولاتی نظیر نفت سفید، نفت کوره و گازوئیل فراهم شده است. درعین‌حال در روزهای گذشته با انعقاد قرارداد سوآپ گاز با ترکمنستان، ایران به عرصه جدیدی در زمینه ایفای نقش هاب انرژی در منطقه پا گذاشته است که این امر با مشارکت بخش خصوصی، آینده روشنی را در خصوص حضور این بخش در فروش و صادرات گاز و نفت نمایان کرده است.

امروز صنعت نفت محدودیت‌های دشوار در حوزه‌هایی نظیر حمل‌ونقل دریایی، بیمه، نقل‌وانتقالات داخلی و شرکت‌های معتبر و صادرات نفت، تامین تجهیزات اصلی، دریافت خدمات تعمیراتی و پشتیبانی، دستیابی به تکنولوژی‌های حساس و... را پشت‌سر گذاشته است و امید می‌رود با بهره‌گیری از فرصت‌های پیش‌رو و با اتکا به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌عنوان چراغ‌راه، در راستای حفظ منافع بلندمدت نظام و کشور توفیقات بیشتری کسب کند.